

درسی دهم

هنرمند





پیداکن و بگو

۱. کلمه‌هایی که با «گر» ساخته شده‌اند. **سفالگر**

۲. کلمه‌هایی که در آن‌ها «ه» به کار رفته است.

هنر - هنرمند - هم - هستی - کارها



بخوان و حفظ کن

من هنرمندم

بَلَدَم شعر بگویم، بَلَدَم قصه بخوانم
بَلَدَم لانه بسازم، بَلَدَم پیش کبوتر
بَلَدَم پاک و مرتب، بزنم شانه به مویم
بَلَدَم روی لب تو، گل لبخند بکارم

بَلَدَم خستگی ات را به سلامی بتکانم
بَلَدَم شاخه گلی را بدهم هدیه به مادر
بَلَدَم آینه باشم، بَلَدَم راست بگویم
بَلَدَم مردم دنیا، همه را دوست بدارم

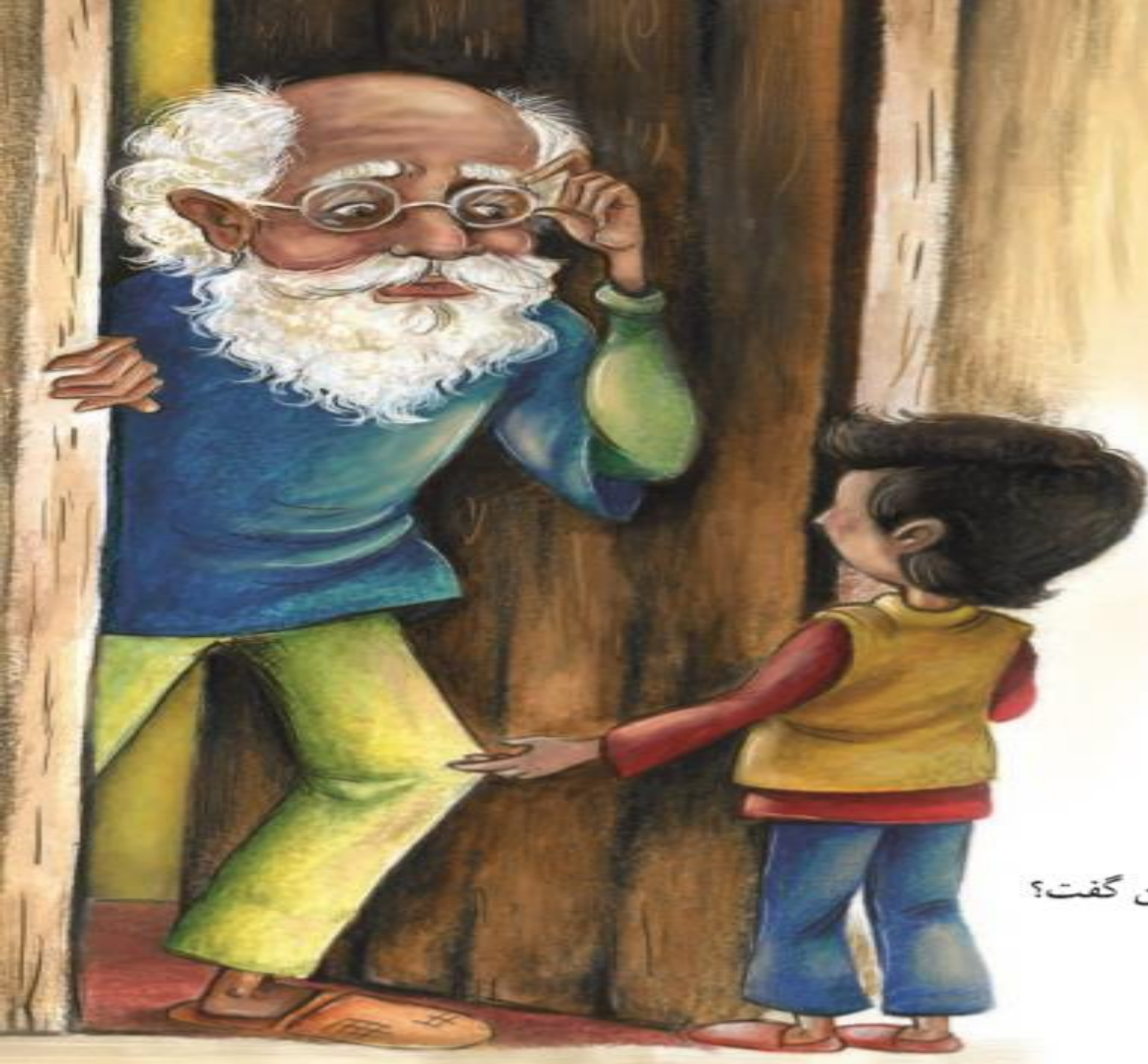
افشین علا



کودکِ زیرک

یکی از دانشمندان
می‌گوید: «روزی در اتاق
خود مشغول کتاب خواندن
بودم. شنیدم در می‌زنند؛ رفتم
و در را باز کردم؛ بچه‌ی همسایه
بود که آتش می‌خواست. آتش‌دان
را به او نشان دادم و گفتم: این آتش،
اما چگونه می‌بری؟ تو که ظرفی نداری؟
اندکی صبر کن تا ظرفی بیاورم.» آن
کودک با احترام گفت: «راضی به زحمت
شما نیستم.» نزدیک آتش‌دان رفت؛ ابتدا
کمی خاکستر سرد برداشت و سپس
مقداری آتش روی خاکستر گذاشت،
آنگاه روبه من کرد و گفت: «این طور» و
بالبی خندان خدا حافظی کرد و رفت. من
به هوش آن کودک آفرین گفتم.

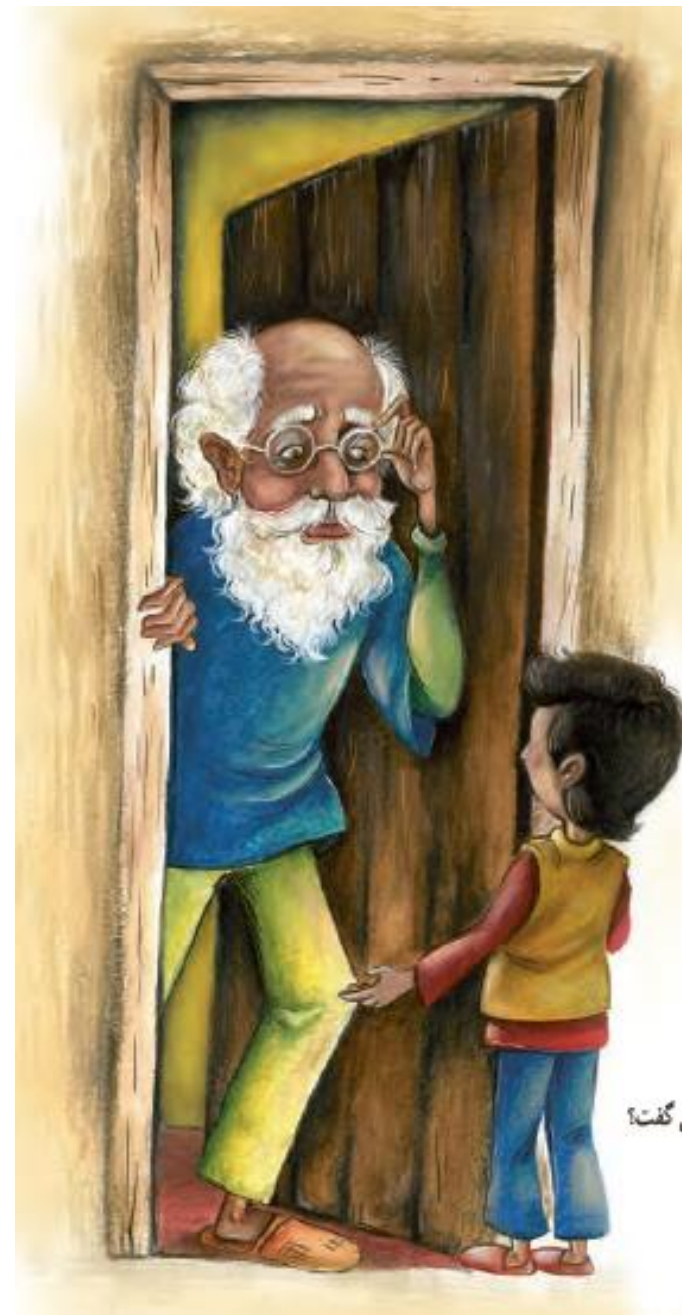
* چرا دانشمند به هوش کودک آفرین گفت؟

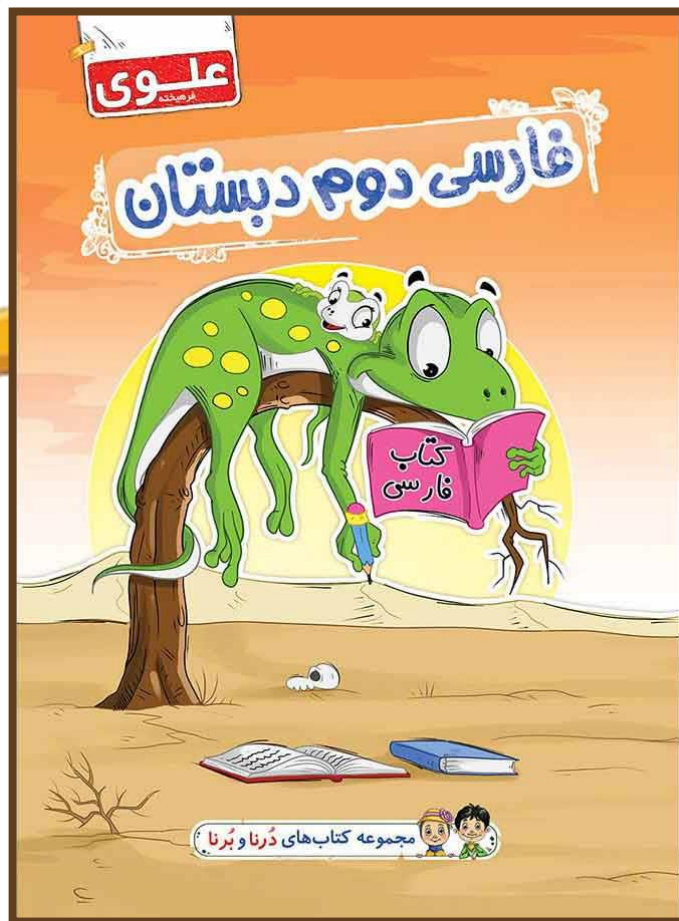


چرا دانشمند به هوش کودک آفرین گفت؟

زیرا کودک باهوش بود و توانست آتش را بدون ظرف به خانه

ببرد.





کلمات هم معنی

داخل: وارد

برمی چیدند: بر می داشتند.

مقداری: اندکی

گلدسته: مناره

چلچراغ: لوستره‌های چند شاخه ای بزرگ

جمعیت: عده ای از مردم

پاشید: ریخت.

زیر لب: زمزمه

اذان: اعلام وقت نماز

حرم: دور مزار امامان

میان: وسط

تماشا کرد: نگاه کرد.